

بیگم‌های بوپال (بهوپال) و تاریخ‌نگاری

سعید شیرازی^۱

علی بیات^۲

چکیده: پس از تضعیف حکومت مغولان هند، حکومت‌های محلی متعددی در سراسر شبه‌قاره هند پدید آمدند. نواب بوپال نیز یکی از این حکومت‌ها بود که در مرکز شبه‌قاره هند شکل گرفت. حکومت نواب بوپال به دلیل بیش از یک سده حکومت زنان (بیگم‌های بوپال) در تاریخ اسلام منحصربه‌فرد است. بیگم‌های بوپال در طول حکومتشان اصلاحات متعددی در زمینه‌های مختلف انجام دادند و بدین ترتیب، دوره طلایی حکومت نواب بوپال شکل گرفت. سه تن از بیگم‌ها یعنی سکندر بیگم، شاهجهان بیگم و سلطان جهان بیگم، با نوشتن کتاب‌های تاریخی و سفرنامه‌هایشان، نقش مهمی در تدوین تاریخ نواب بوپال ایفا کردند. در این مقاله به بررسی نقش بیگم‌ها در این زمینه و معرفی آثار آنان پرداخته خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: شبه‌قاره هند، بوپال، نواب بوپال، بیگم‌های بوپال، تاریخ‌نگاری

۱ عضو هیئت علمی بنیاد دایرة المعارف اسلامی (نویسنده مسئول) saied.shirazi1382@gmail.com

۲ دانشیار دانشگاه تهران abayat@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۷/۳۰ تاریخ تایید: ۹۶/۱۲/۱۲

Begums of Bhopal and Historiography

Saeed Shirazi¹
Ali Bayat²

Abstract: After decline of the Mughal Empire, many local governments emerged across Indian Subcontinent. Nawabs of Bhopal was one of these local states in central Indian subcontinent. Nawabs of Bhopal's reign for more than one century ruled by women (Begums of Bhopal), is unique in Islamic history. Begums of Bhopal during their government carried out numerous reforms in various fields, and thus the golden age of Nawabs of Bhopal government appeared. By writing historical books and their travel literature, three of begums, i.e. Sikandar Begum, Shahjahan Begum, Sultan Jahan Begum, played an important role in writing the history of Nawabs of Bhopal. In this paper, the role of Begums of Bhopal in this field is studied and their works are introduced.

Keywords: The Indian subcontinents, Bhopal, Nawabs of Bhopal, Begums of Bhopal, Historiography

1 Faculty Member of Encyclopaedia Islamica Foundation (Corresponding Author),
saied.shirazi1382@gmail.com
2 Associate Professor of Tehran University, abayat@ut.ac.ir

مقدمه

تاریخ‌نگاری اسلامی در هند به صورت رسمی با کتاب *تاج المائر* به زبان فارسی در اوایل سده هفتم هجری آغاز شد. در بین سلاطین مسلمان هند، فیروزشاه تغلق (حک: ۷۵۲-۷۹۰ق.)، نخستین سلطان مسلمان هند بود که در سده هشتم هجری کتاب *فتوحات فیروزشاهی* را در شرح اقداماتش نوشت.^۱ کتاب وی به عنوان یکی از منابع اصلی تحقیق درباره حکومت تغلقیان مورد استفاده قرار می‌گیرد و به زبان‌های اردو و انگلیسی نیز ترجمه شده است. پس از فیروزشاه تغلق، سلاطین مسلمان دیگری نیز در هند به نوشتن شرح حوادث زندگی و حکومت خود پرداختند که از مشهورترین آنان می‌توان به *بابرنامه* اثر بابر (حک: ۹۳۲-۹۳۷ق.)، بنیان‌گذار سلسله بابریان و *جهانگیرنامه* یا *توزک جهانگیری* اثر جهانگیر (حک: ۱۰۱۴-۱۰۳۷ق.) اشاره کرد که کتاب‌هایشان از منابع اصلی تاریخ دوره بابریان به حساب می‌آیند.^۲

زنان نیز در تاریخ مسلمانان هند بر حوادث و رویدادهای عصر خود تأثیر گذاشته‌اند. نخستین سلطان زن مسلمان در هند رضیه سلطان (حک: ۶۳۴-۶۳۷ق.) از سلاطین مملوک دهلی (حک: ۶۰۲-۶۸۹ق.) بود.^۳ پس از وی در دوره بابریان (حک: ۹۳۲-۱۲۴۷ق.) نیز زنان بسیاری در امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بودند. در بین این زنان، گلبدن بیگم (د: ۱۰۱۱ق.)، خواهر همایون، نخستین کسی بود که به درخواست برادرزاده‌اش اکبر (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴ق.) کتابی با عنوان *همایون‌نامه* یا *گلبدن‌نامه* را در شرح حوادث دوران حکومت برادرش همایون نوشت.^۴

پس از تضعیف حکومت بابریان، حکومت‌های محلی بسیاری در هند پدید آمدند که

۱ فیروزشاه تغلق هدف خود از نوشتن این کتاب را ذکر عطایای ربانی دانسته تا از این طریق شکر خدا را به جای آورد؛

فیروزشاه تغلق (۱۹۵۴)، *فتوحات فیروزشاهی*، تصحیح شیخ عبدالرشید، علی‌گروه: مسلم یونیورسیتی، ص ۲.

۲ برای اطلاعات بیشتر درباره این دو کتاب و اهمیت آن‌ها نک: اصغر آفتاب (۱۳۶۴)، *تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان*، لاهور: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، صص ۵۷، ۲۴۷.

۳ رضیه سلطان دختر شمس‌الدین التتمش بود که پدرش به‌رغم داشتن پسر، لیاقت او برای حکومت را تأیید کرد و او را به جانشینی خود انتخاب نمود. در مورد رضیه سلطان و شرح حکومت او نک: منهای سراج جوزجانی (۱۳۶۳)، *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، ج ۱، تهران: دنیای کتاب، صص ۴۵۷-۴۶۲.

۴ برای آشنایی بیشتر با این کتاب نک: گلبدن بانو (۱۳۸۳)، *گلبدن‌نامه (همایون‌نامه)*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات ثریا، مقدمه ایرج افشار، صص ۹-۱۹.

یکی از مشهورترین آن‌ها حکومت نواب بوپال بود. حکومت نواب بوپال (حک: ۱۱۱۹-۱۳۶۹ ق.) را می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد. مرحله نخست حکومت مردان و مرحله دوم نیز حکومت زنان (بیگم‌های بوپال) بود که بیش از یک سده ادامه داشت. دوره بیگم‌های بوپال را می‌توان اوج حضور زنان در رأس امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در تاریخ هند دوره اسلامی و حتی در سراسر تاریخ جهان اسلام دانست. حکومت بیگم‌ها، عصر طلایی حکومت نواب بوپال بود.^۱

بیگم‌های بوپال به‌عنوان حاکمان زن نقش مهمی در تدوین تاریخ دویست و پنجاه‌ساله نواب بوپال داشتند. آثار نوشته‌شده توسط بیگم‌های بوپال، به‌عنوان مهم‌ترین منابع پژوهش درباره تاریخ نواب بوپال مورد استفاده پژوهشگران قرار می‌گیرند و با نگاهی به فهرست منابع مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده درباره حکومت نواب بوپال چون آثار شهریار محمدخان^۲ و لامبرت هارلی^۳ می‌توان به این نکته پی برد که آثار برجای‌مانده از بیگم‌های بوپال، مهم‌ترین منابع این تحقیقات به‌شمار می‌روند؛ به‌طوری‌که اگر این آثار مورد استفاده قرار نمی‌گرفتند عملاً امکان پژوهش درباره این سلسله نیز وجود نداشت. اهمیت و ارزش این منابع برای تحقیق درباره این بخش از تاریخ هند به اندازه‌ای است که موجب شده تمامی این آثار به انگلیسی ترجمه و چاپ شوند.^۴

این دوره از تاریخ هند اسلامی، نه‌تنها به دلیل حضور حاکمان زن مسلمان در رأس امور تجربه‌ای منحصربه‌فرد در جهان اسلام به‌شمار می‌رود بلکه به دلیل روابط نواب و به‌ویژه بیگم‌های بوپال با انگلیسی‌ها، اصلاحات متعدد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چون توجه به تعلیم و تربیت دختران و ساخت مدارس دخترانه، ساخت مراکز بهداشتی خاص زنان، تألیف آثار متعدد ادبی، تاریخی و به‌طور کلی تجربه‌ای که از حکومت زنان در جهان اسلام ارائه

۱ برای توافقی‌نامه نک: شاهجهان بیگم (۱۲۸۹)، تاج‌الاقبال تاریخ ریاست بهوپال، به اهتمام محمد عبدالرحمن‌بن‌حاجی محمد روشن خان، کانپور: مطبع نظامی، دفتر اول (متن فارسی)، صص ۳۵-۳۹؛ همچنین برای اصلاحات انجام شده در این دوره نک: ادامه مقاله.

2 M. Khan Shaharyar (2000), *The Begums of Bhopal a Dynasty of Women Rulers in Raj India*, New York-London: I.B.Tauris.

3 Lambert-Hurley Siobhan (2007), *Muslim women, reform and princely patronage Nawab Sultan Jahan Begam of Bhopal*, London and New York

۴ برای اطلاعات بیشتر درباره چاپ این منابع و ترجمه و چاپ آن‌ها به انگلیسی به ادامه مقاله رجوع کنید.

می‌کنند از اهمیت بسیاری برخوردار است^۱ و از این جهت، امکان انجام پژوهش‌های متعددی درباره تاریخ نواب بوپال وجود دارد؛ اما در جامعه علمی ایران و به زبان فارسی تقریباً هیچ توجه‌ای به این دوره از تاریخ هند اسلامی نشده است و مختصر تحقیقاتی نیز که انجام شده به دور از ایراد و اشتباه نیست.^۲ به نظر می‌رسد دلیل اصلی عدم توجه به این حوزه از تاریخ هند اسلامی و نقص‌ها و اشتباهات موجود در تحقیقات انجام شده، در درجه اول ناشی از عدم آشنایی پژوهشگران ایرانی با تاریخ این دوره و به تبع آن منابع این دوره باشد. به همین منظور، هدف اصلی این نوشتار تلاش برای آشنایی کلی با این سلسله و معرفی مهم‌ترین منابع تاریخ آن‌ها و بیان اهمیت هریک از این آثار است که همگی از تألیفات خود بیگم‌های بوپال نیز هستند تا مقدمات لازم برای انجام پژوهش‌های بعدی درباره جنبه‌های مختلف تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نواب بوپال و به تبع آن بیگم‌های بوپال فراهم شود.

۱. ضرورت و پیشینه تحقیق

بدون تردید از نخستین اقدامات لازم برای انجام پژوهش‌های تاریخی، آشنایی با منابع دوره موردنظر و استفاده مناسب از آن‌هاست. هرچند، حکومت نواب بوپال از جهات گوناگون از اهمیت بسیاری برخوردار است و امکان پژوهش‌های متعدد درباره این سلسله وجود دارد، اما پژوهشگران ایرانی توجه چندانی به این دوره از تاریخ و تمدن اسلامی نداشته‌اند و از محدود تحقیقاتی که در مورد این دوره از تاریخ اسلام انجام شده دو مقاله درباره سفر حج شاهجهان بیگم و روابط انگلیسی‌ها با بیگم‌های بوپال است که آن‌ها نیز به دلیل عدم آشنایی مؤلفان محترم با این دوره تاریخی و منابع آن، دارای نقایص و اشتباهات اساسی‌اند.

مقاله نخست با عنوان «گزارش سفر حج بانوی هندی شاهجهان بیگم در سال ۱۲۸۰ق» است که مؤلف محترم مقاله پس از اینکه به اختصار به معرفی نواب بوپال و شاهجهان بیگم پرداخته، فصل هفتم از دفتر دوم کتاب *تاج‌الاقبال* اثر شاهجهان بیگم را با عنوان «در بیان سفر مکه معظمه زاد الله شرحها»، به عنوان شرح سفر شاهجهان بیگم به مکه آورده است و اشاره می‌کند که «این

۱ اقدامات و اصلاحات اجتماعی و فرهنگی انجام شده توسط بیگم‌های بوپال خود به‌عنوان پژوهش‌هایی مستقل می‌توانند مورد توجه قرار بگیرند اما برای نمونه‌هایی از این اقدامات نک:

Lambert-Hurley, Ibid, pp.4-5, 97-99, 132-136.

۲ برای این مقالات نک ادامه مقاله، ضرورت تحقیق.

سفر در بیست و دوم جمادی الاولی سال ۱۲۸۰ توسط شاهجهان بیگم به همراه ملازمان خاص وی صورت گرفته و... وی همچنین در ادامه مقاله به این موضوع نیز اشاره می‌کند که متن کامل سفرنامه به صورت مجزا نوشته شده و متن انگلیسی آن به چاپ رسیده است.^۱ هرچند، مؤلف مقاله مطالبی را که در ادامه مقاله آورده شرح سفر شاهجهان بیگم به مکه دانسته، اما شاهجهان بیگم همان گونه که خودش تصریح کرده هرگز به مکه سفر نکرده است^۲ و فصل هفتم از دفتر دوم تاج الاقبال همان گونه که شاهجهان بیگم نیز تأکید می‌کند «هرگاه والده ماجده از انتظام ریاست فراغت یافتند عزم سفر کعبه کردند و...»^۳ در واقع، شرح سفر سکندر بیگم (حک: ۱۲۶۴-۱۲۸۵ق.) و قدسیه بیگم (حک: ۱۲۳۵-۱۲۵۳ق.)، مادر و مادر بزرگ شاهجهان بیگم به مکه است. متن کامل این سفرنامه که توسط سکندر بیگم نوشته شده با عنوان زیارت مکه^۴ به انگلیسی ترجمه و چاپ شده است.^۵ مؤلف محترم مقاله فوق، به دلیل عدم آشنایی با موضوع و منابع این دوره، دچار چنین اشتباه فاحشی شده است.

علاوه بر مقاله فوق، مقاله دیگری به زبان عربی با عنوان «الیغمات او الملکات المسلمات لهوبال و استعمار الانجلیز» توسط تعدادی از پژوهشگران ایرانی نوشته شده است. هرچند، مؤلفان محترم مقاله به موضوع مهمی درباره تاریخ بیگم‌های بویال یعنی روابط آن‌ها با انگلیسی‌ها پرداخته‌اند، اما ظاهراً به دلیل عدم آشنایی با آثار بیگم‌های بویال - که بخش زیادی از حجم این آثار به روابط بین آن‌ها و انگلیسی‌ها اختصاص یافته و متن بسیاری از اسناد و نامه‌هایی که بین آن‌ها ردوبدل شده نیز در این آثار آمده است - از آن‌ها بهره‌ای نبرده‌اند و از این جهت، این تحقیق نیز دچار نقص است.^۶ وجود اشتباهات و نواقص مهمی از این دست ضرورت آشنایی با این سلسله و منابع مربوط به آن را برای انجام دادن پژوهش‌های بعدی

۱ اکرم حسن‌آبادی (۱۳۸۸)، «گزارش سفر حج بانوی هندی شاهجهان بیگم، در سال ۱۲۸۰»، پیام بهارستان، ۲، ش ۱، صص ۶۴۱-۶۴۲.

۲ هرچند شاهجهان بیگم علاقه بسیاری برای رفتن به حج داشته اما به دلیل ترس از بیماری و سفر دریایی به حج نرفت. نک:

M. Khan Shaharyar (2000), *The Begums of Bhopal a Dynasty of Women Rulers in Raj India*, New York-London: I.B.Tauris, p.143.

۳ شاهجهان بیگم، دفتر دوم (متن فارسی)، ص ۳۸.

4 *A Pilgrimage to Mecca*.

۵ برای اطلاعات بیشتر درباره سفرنامه و مؤلف آن نک: ادامه مقاله.

۶ برای منابع مورد استفاده در این مقاله نک: منظور الاجداد و دیگران (۲۰۱۰/۱۴۳۱)، «الیغمات او الملکات لهوبال و استعمار الانجلیز» *مجلة العلوم الانسانية الدولية*، العدد ۱۷ (۴)، صص ۲۳-۴۱.

بیشتر آشکار می‌کند. در ادامه ابتدا به معرفی کلی این سلسله و سپس معرفی منابع این دوره از تاریخ هند و اهمیت هریک از این منابع پرداخته خواهد شد.

۲. نواب بوپال

با درگذشت اورنگ زیب (حک: ۱۰۶۸-۱۱۱۸ق.)، دوره ضعف و سقوط حکومت بابرین نیز آغاز شد و حکومت‌های محلی متعددی در سراسر هند شکل گرفت.^۱ حکومت نواب بوپال نیز از جمله مهم‌ترین این حکومت‌ها بود که توسط دوست محمدخان (حک: ۱۱۱۹-۱۱۴۱ق.)، شکل گرفت. وی از پشتوهای منطقه تیراه^۲ (منطقه کوهستانی بین افغانستان و پاکستان امروزی) بود که در اوایل سده دوازدهم هجری به هند رفت و به خدمت ارتش بابرین درآمد و صاحب جاگیر (اقطاع) شد. وی نیز مانند دیگر حاکمان محلی از ضعف حکومت بابرین استفاده کرد و بدین ترتیب، حکومت نواب بوپال در بوپال (امروزه شهری مهم و مرکز ایالت مدهیاپرادش در مرکز هند) شکل گرفت.^۳ پس از دوست محمدخان، جانشینان وی برای حفظ قلمروشان، دائماً به نزاع و جنگ با حکومت‌های اطراف مشغول بودند.^۴ این جنگ‌ها ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۸۱۸م./۱۲۳۴ق. نظر محمدخان (حک: ۱۲۳۲-۱۲۳۵ق.)، ششمین نواب بوپال، عهدنامه‌ای را با انگلیسی‌ها امضاء کرد که بر اساس آن، حکومت نواب بوپال تحت‌الحمایگی انگلستان را پذیرفت و بدین ترتیب، از تهدیدهای خارجی رهایی پیدا کرد و دوره طلایی حکومت نواب بوپال شکل گرفت.^۵

پس از درگذشت نواب نظر محمدخان، با توجه به اینکه وی فرزند پسری نداشت همسرش قدسیه بیگم (حک: ۱۲۳۵-۱۲۵۳ق.) در هجده‌سالگی به نیابت از دخترش سکندر بیگم اداره امور حکومت بوپال را در دست گرفت و بدین ترتیب، حکومت زنان (بیگم‌های بوپال) آغاز شد. پس از قدسیه بیگم، هرچند باید قدرت به سکندربیگم واگذار می‌شد اما برای مدتی همسرش نواب جهانگیرمحمدخان (حک: ۱۲۵۳-۱۲۶۰ق.)، و پس از درگذشت وی

۱ برای اطلاعات بیشتر درباره حکومت بابرین پس از اورنگ زیب نک: آنه ماری شیمل (۱۳۸۶)، *در قلمرو خانان مغول*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: امیرکبیر، صص ۵۷-۶۸.

۲ Tirāh

۳ Imperial Gazetteer of India (1908), viii, Oxford: Clarendon press, p.128; Khan, pp.1-19.

۴ Imperial Gazetteer of India (1908), viii, pp.128-130; Claudia Preckel (2011), "BHOPAL" E13, Vi, Leiden. Boston: Brill, p.124.

۵ Khan, Ibid, pp.68-69.

دختر خردسال او شاه جهان بیگم (حک: ۱۲۶۰-۱۲۶۴ق) به قدرت رسیدند. تا اینکه در سال ۱۲۶۴ شاه جهان بیگم رسماً حکومت را به مادرش سکندریگم (حک: ۱۲۶۴-۱۲۸۴ق)، واگذار کرد. پس از سکندر بیگم، شاهجهان بیگم (حک: ۱۲۸۴-۱۳۱۹ق.) و سلطان جهان بیگم (حک: ۱۳۱۹-۱۳۴۵ق.) به قدرت رسیدند تا اینکه سلطان جهان بیگم سرانجام در سال ۱۹۲۵م./۱۳۴۴ق. به لندن رفت تا تأیید جرج پنجم^۱ (حک: ۱۹۱۰-۱۹۳۶م.) را برای واگذاری حکومت به پسرش حمیدالله خان (حک: ۱۳۴۵-۱۳۶۹ق.) آخرین نواب بوپال به دست آورد. وی در سال ۱۹۲۶م./۱۳۴۵ق. در لندن به نفع پسرش از حکومت کناره گرفت و حمیدالله خان آخرین نواب بوپال قدرت را در دست گرفت و بدین ترتیب، بیش از یک سده حکومت بیگم‌های بوپال پایان یافت.^۲

حکومت بیگم‌های بوپال درخشان‌ترین دوره حکومت نواب بوپال و عصر طلایی حکومت آنان به‌ویژه از نظر فرهنگی محسوب می‌شود. بیگم‌های بوپال در طول حکومتشان با حمایت انگلیسی‌ها دست به اصلاحات متعددی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زدند. در این دوره بوپال در زمینه‌های مرتبط با تعلیم و تربیت زنان و دختران و نیز بهداشت و پزشکی در سراسر هند پیشگام بود و مدارس و مراکز آموزشی متعددی به شیوه‌های نوین توسط بیگم‌های بوپال شکل گرفت.^۳

۳. بیگم‌های بوپال و تاریخ‌نگاری

دومین حاکم زن بوپال، سکندر بیگم، دختر نواب نظر محمدخان و نواب قدسیه بیگم بود که در ۱۲۳۲ق. به دنیا آمد. سنت تاریخ‌نگاری در بین بیگم‌های بوپال در دوره حکومت وی آغاز شد. سکندر بیگم نخستین بیگم بوپال بود که در ۱۲۶۸ق. به تشویق انگلیسی‌ها درصدد تألیف کتابی درباره تاریخ نواب بوپال برآمد و حدود هفده سال را صرف جمع‌آوری اسناد و مدارک لازم برای تألیف کتابی درباره تاریخ بوپال کرد؛ اما پیش از اینکه کتاب را کامل کند درگذشت و بدین ترتیب کار او ناتمام ماند.^۴ هرچند، اقدام سکندر بیگم در تألیف تاریخ

1 George V.

2 Preckel, Ibid, pp.126-127; Khan, pp119-187.

۳ برای اطلاعات بیشتر درباره اقدامات بیگم‌های بوپال نک: حیات شاهجهانی [بی‌تا]، به اهتمام محمد قادر علی‌خان صوفی، آگره، صص ۱۵۰-۱۵۲، ۴۸-۵۱، ۱۲۶، ۳۷-۴۱، ۳-۴. Lambert-Hurley, pp.3-4, 37-41, 126

۴ شاهجهان بیگم، دفتر اول (فارسی)، دیباچه، ص ۳.

بوپال نتیجه‌ای دربر نداشت، اما این کار زمینه لازم را برای جلب توجه بیگم‌های بعدی به تدوین تاریخ بوپال فراهم کرد.

هرچند کتاب وی به دلیل وفاتش ناتمام ماند، اما از سکندریگم دو کتاب برجای مانده است که می‌توان از آن‌ها برای آشنایی با تاریخ نواب بوپال و تاریخ مکه در سده سیزدهم هجری بهره برد. وی در سال ۱۲۸۰ق. به حج رفت و پس از بازگشت به هند، در سال ۱۲۸۴ق. به درخواست دیورند^۱ همسر مأمور سیاسی بریتانیا در بوپال، شرح سفر خود را به زبان اردو نوشت و به او داد. سپس نسخه‌های دیگر از سفرنامه را به مأمور سیاسی بعدی بوپال داد^۲ که همسر او خانم ویلبی آزرین^۳ با اجازه سکندریگم شروع به ترجمه این سفرنامه به زبان انگلیسی کرد. پیش از اتمام ترجمه، سکندریگم درگذشت و ترجمه کتاب در سال ۱۸۶۹م/۱۲۸۶ق. کامل شد و در سال ۱۸۷۰م/۱۲۸۷ق. با عنوان زیارت مکه با افزودن دو ضمیمه درباره تاریخ مختصر بوپال و نیز معرفی اماکن مقدس مکه و عکس‌هایی از بیگم‌های بوپال در لندن به چاپ رسید.^۴ متن اردوی سفرنامه به چاپ نرسیده و همین موضوع موجب اهمیت یافتن این ترجمه شده است. سفرنامه مذکور اطلاعات مفیدی درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی مکه در اواخر سده سیزدهم هجری ارائه می‌کند.^۵ چنانکه در بخشی از سفرنامه، سکندریگم تصویری واضح از اوضاع مکه و مدینه ارائه داده است و اشاره می‌کند که به‌رغم علاقه‌ای که برای رفتن به مدینه داشت، اما به دلیل اینکه بدوی‌ها راه مکه به مدینه را ناامن کرده بودند از رفتن به مدینه منصرف شده و به هند بازگشته است.^۶ از جمله ویژگی‌های مهم این سفرنامه که می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد می‌توان به متن نامه‌های متعددی که بین سکندریگم و مأموران بریتانیای هند و شریف و پاشای مکه ردوبدل شده تا شرایط لازم برای سفر وی به مکه فراهم شود و نیز مسیری که وی طی کرده تا از آن طریق به مکه برسد، اشاره کرد.^۷ از دیگر گزارش‌های جالب این سفرنامه درخواست سکندر

1 Durand.

2 Nawab Sikandar Begum (1870), *A Pilgrimage To Mecca*, translated by: Mrs. Willoughby- Osborne, Followed by A Historical sketch of the reigning family of Bhopal BY Lieut-col. Mrs. Willoughby-Osborne, C.B. Political Agent in Bhopal, And an appendix translated by: The Rev. William Wilknsnson, London: Wm.H.Allen & Co, pp.3-4.

3 Willonghby-Osbron.

4 Nwab Sikandar Begum, translators Preface, pp. ix-xii.

۵ برای نمونه نک: Ibid, pp.36, 82-88

6 Ibid, pp.148-156.

۷ برای نمونه‌هایی از این نامه‌ها نک: Ibid, pp.63-73, 117-158

بیگم از یکی از علمای ترک حاضر در مکه برای ترجمه قرآن به زبان ترکی است که مضمون نامه‌هایی که برای مشورت و کسب اجازه درباره این موضوع به شریف مکه نوشته را نیز در سفرنامه آورده است.^۱

اثر دیگر سکندر بیگم کتاب *آیین سکندری* است که متن اصلی کتاب به زبان فارسی نوشته شده و پس از آن به دستور شاهجهان بیگم کتاب به زبان اردو ترجمه و متن فارسی و ترجمه اردوی آن در یک مجلد به چاپ رسیده است. کتاب به شیوه کتاب‌های آیین‌نامه به موضوعات مختلف مرتبط با نحوه حکومت چون رفتار با مردم، تعلیم و تربیت جانشینان، مسئله جانشینی و... پرداخته^۲ و از این جهت که دیدگاه حاکمان بویال درباره موضوعات ذکر شده را نشان می‌دهد دارای اهمیت است.

شاهجهان بیگم، سومین بیگم بویال در سال ۱۲۵۴ق. متولد شد. از وی آثار متعددی در حوزه‌های مختلف ادبی، تاریخ و نیز تعلیم و تربیت برجای مانده است. از جمله آثار او می‌توان به: *تهذیب النسوان و تربیت الانسان*، دیوان اشعار اردوی او *تاج الکلام* و دیوان اشعار فارسی او *دیوان شیرین* اشاره کرد.^۳

از مهم‌ترین آثار تاریخی برجای مانده از دوره بیگم‌های بویال، کتاب *تاج الاقبال تاریخ ریاست بویال*، اثر شاهجهان بیگم است که با نوشتن این اثر سنت تاریخ‌نگاری بیگم‌های بویال رسمیت پیدا کرد. شاهجهان بیگم در مقدمه کتاب اشاره می‌کند که پس از اینکه کار مادرش سکندر بیگم در جمع‌آوری و تدوین تاریخ بویال به دلیل وفاتش ناتمام ماند، او تصمیم گرفت تا تاریخ نواب بویال را ثبت کند. به همین خاطر، در محرم ۱۲۸۸ق. شروع به نوشتن *تاج الاقبال* کرد و در محرم ۱۲۸۹ق. کار تألیف آن پایان یافت. هرچند شاهجهان بیگم به منابع مورد استفاده‌اش برای تألیف این کتاب اشاره‌ای نکرده است، اما با توجه به اینکه وی در مقدمه کتاب تأکید کرده که این کتاب را باهدف تکمیل کار ناتمام مادرش انجام داده است به نظر می‌رسد که از منابع و اسنادی که مادرش طی هفده سال جمع‌آوری کرده بود برای تألیف این اثر بهره برده است. متن اصلی کتاب به زبان فارسی در سه دفتر (جلد)، مجزا در

1 Ibid, pp.98-99.

۲ سکندر بیگم [بی‌تا]، *آیین سکندری*، بهوبال، مقدمه سلطان جهان بیگم، ص ۵.

۳ برای آشنایی بیشتر با آثار و تألیفات دیگر شاهجهان بیگم نک: سلطان جهان بیگم، *حیات شاهجهانی*، ص ۴۱.

یک مجلد نوشته شد و متن اردوی آن هم به همین ترتیب نوشته شد و در سال ۱۲۸۹ ق. متن فارسی و اردوی کتاب به صورت مجزا در مطلع نظامی کانپور^۱ به اهتمام محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روشن خان به چاپ رسیده است.^۲

تاج‌الاقبال تاریخ نواب بوپال را از آغاز شکل‌گیری حکومت آنان توسط دوست محمدخان تا اوایل سال ۱۲۸۹ ق. شامل می‌شود و به همین دلیل این کتاب از مهم‌ترین منابع مربوط به تاریخ نواب بوپال به شمار می‌رود. دفتر اول کتاب، شرح حکومت نواب بوپال از آمدن دوست محمدخان به هند و شکل‌گیری حکومت نواب بوپال تا حکومت نواب جهانگیر محمدخان (پدر شاهجهان بیگم) را دربر می‌گیرد. دفتر اول کتاب به دلیل اینکه در بین آثار برجای مانده از بیگم‌های بوپال تنها اثری است که به دوره اول حکومت نواب بوپال پرداخته، از اهمیت بسیاری برخوردار است. از جمله مطالب مهم این دفتر می‌توان به شرح چگونگی شکل‌گیری حکومت نواب بوپال توسط دوست محمدخان و توافق بین انگلیسی‌ها و نواب نظر محمدخان اشاره کرد که بر اساس آن، حکومت نواب بوپال تحت‌الحمایه انگلستان درآمد.^۳

دفتر دوم کتاب به حوادث مربوط به دوران حکومت پدر و مادر شاهجهان بیگم و زندگی خود او تا پیش از به قدرت رسیدن اختصاص دارد. هرچند دفتر دوم نسبت به دفتر نخست و دفتر سوم از اهمیت کمتری برخوردار است، اما در این بخش از کتاب نیز اطلاعات بسیاری درباره حکومت نواب بوپال پیش از به قدرت رسیدن بیگم‌ها و چگونگی به قدرت رسیدن زنان (بیگم‌ها) ارائه شده است.^۴ دفتر سوم کتاب نیز به دوران حکومت خود شاهجهان بیگم از ابتدا تا آغاز ۱۲۸۹ ق. اختصاص یافته و اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این دوره را ترسیم می‌کند. چنانکه، در این دفتر شاهجهان بیگم به شرح اصلاحات خود در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در زمینه ساخت مراکز آموزشی و مدارس دخترانه پرداخته است.^۵ از دیگر مطالب مهم کتاب که برای پژوهش درباره تاریخ بوپال از اهمیت زیادی برخوردار است

1 Kanpur.

۲ شاهجهان بیگم، دفتر اول (فارسی)، دیباچه، صص ۳-۴.

۳ برای نمونه نک: شاهجهان بیگم، دفتر اول (متن فارسی)، صص ۴-۹، ۳۵-۳۹.

۴ برای اطلاعات بیشتر درباره محتویات و اهمیت این بخش از کتاب نک: شاهجهان بیگم، دفتر دوم.

۵ برای نمونه‌هایی از این اصلاحات نک: همو، دفتر سوم (متن فارسی)، صص ۱۱-۲۲، ۶۱-۱۰۴.

می‌توان به سرشماری نفوس و خانه‌های بوپال، برای نخستین بار در قلمرو نواب بوپال، بیان اوضاع اقتصادی بوپال و شرح درآمدها و مخارج حکومت بوپال و نیز اختصاص فصل هفتم این دفتر به تاریخ محلی بوپال اشاره کرد بیشتر این اطلاعات بر اساس اسناد حکومتی و دولتی آورده شده است.^۱

دفتر سوم کتاب از جهت بررسی اوضاع سیاسی حکومت بوپال در دوره شاهجهان بیگم به‌ویژه در زمینه روابط او با انگلیسی‌ها و آوردن متن نامه‌هایی که بین شاهجهان بیگم و انگلیسی‌ها ردوبدل شده و اعطای نشان‌هایی چون «تاج هند»^۲ از جانب انگلیسی‌ها به شاهجهان بیگم نیز دارای ارزش است.^۳ علاوه بر متن فارسی و اردوی کتاب، با توجه به اهمیت این کتاب برای پژوهش درباره تاریخ نواب بوپال، کتاب به انگلیسی نیز ترجمه و چاپ شده است. ترجمه انگلیسی کتاب نیز در سال ۱۸۷۶م./۱۲۹۳ق. در کلکته به چاپ رسیده و بارستو^۴ مترجم کتاب از مأموران سیاسی انگلستان در بوپال طی سال‌های ۱۸۷۴م./۱۲۹۱ق. تا ۱۸۷۵م./۱۲۹۲ق. بود و در همان زمان، کتاب را از روی متن اردو به انگلیسی ترجمه کرد.^۵

سلطان جهان بیگم، دختر شاهجهان بیگم و نواب باقی محمدخان بود. وی آخرین بیگم بوپال بود که در ۱۲۷۵ق. به دنیا آمد و در ۱۳۴۹ق. درگذشت. از سلطان جهان بیگم آثار متعددی برجای مانده و به همین سبب، از وی می‌توان به‌عنوان نویسنده و مورخ نام برد. وی نوشتن کتاب‌هایی درباره تاریخ نواب بوپال را از مهم‌ترین وظایف خود می‌دانست و از این رو، کتاب‌های متعددی را درباره دوره‌های مختلف حکومت نواب بوپال نوشته و سنت تاریخ‌نگاری بیگم‌های بوپال در زمان وی به اوج خود رسید و پس از وی نیز رو به انحطاط نهاد به‌طوری که برای آشنایی با تاریخ نواب بوپال چاره‌ای جز مراجعه به آثار متعدد سلطان جهان بیگم وجود ندارد. هرچند، سلطان جهان بیگم مورخ نبوده، اما با توجه به علاقه‌ای که به ثبت حوادث مربوط به حکومت نواب بوپال داشت و آن را جزو وظایف اصلی خود و

۱ برای نمونه‌هایی از این اسناد و اطلاعات آن‌ها نک: همان، صص ۹۵-۱۰۴.

2 The Crown of India.

۳ همان، صص ۱۱-۱۵، ۳۹-۵۰.

4 Barstow.

5 Shahjahan Bgum (1876), *Taj-ul Ikbal Tarikh Bhopal or The History of Bhopal*, Translated by H. C. Barstow, Calcutta: Thackers, Spink And Co, translators preface, pp. iiv-iv.

ابزاری برای عبرت‌آموزی آیندگان می‌دانست سعی کرد تا مطالب خود را به صورت مستند بیان کند و به همین دلیل، در موارد متعدد از اسناد رسمی، مشاهدات شخصی و روایت افراد موثق به عنوان منابع اصلی خود برای نوشتن آثارش نام برده و در تمامی آثار برجای مانده از وی تعداد بسیاری از اسناد و نامه‌های رسمی بدون هیچ کم و کاستی با ذکر دقیق تاریخ‌نامه‌ها و اسناد و اطلاعات دیگر مربوط به آن‌ها ضبط شده است.^۱

تزرک *سلطانی* از جمله آثار سلطان جهان بیگم است که وی از آن به عنوان «دفتر چهارم تاج‌الاقبال» نام برده است. این کتاب به زبان اردو در ۴۲۴ صفحه نوشته شده و در سال ۱۳۲۸ق. به چاپ رسیده است. سلطان جهان بیگم در تمهید (مقدمه)، کتاب از جمله مهم‌ترین وظایف خود را نوشتن تاریخ نواب بوپال دانسته تا آیندگان از آن بهره ببرند^۲ و بدین ترتیب، دیدگاه خود را درباره اهمیت تاریخ و تاریخ‌نگاری به وضوح بیان کرده و تاریخ را ابزاری برای عبرت‌آموزی آیندگان دانسته است. علاوه بر مشاهدات شخصی وی، در این کتاب تعداد زیادی از اسناد و نامه‌های رسمی بدون هیچ کم و کاستی آورده شده‌اند^۳ که نشان‌دهنده دقت سلطان جهان بیگم برای بیان واقعیت‌های مربوط به تاریخ آن دوره است. هرچند، وی این کتاب را دفتر چهارم تاج‌الاقبال دانسته که مادرش شاهجهان بیگم پیش از مرگ در صدد نوشتن آن بوده، اما مطالب کتاب صرفاً ادامه مطالب دفتر سوم تاج‌الاقبال نیست. سلطان جهان بیگم تاریخ بوپال را به دو مرحله یعنی از آغاز شکل‌گیری حکومت نواب بوپال تا امضای توافق‌نامه بین انگلستان و نظر محمدخان و مرحله پس از توافق تقسیم کرده است. وی مرحله دوم را دارای اهمیت تاریخی دانسته و از آنجایی که سکندر بیگم را آغازگر دوره پیشرفت و ترقی حکومت نواب بوپال در دوره دوم دانسته، کتاب تزرک *سلطانی* را با شرح حکومت او آغاز کرده است.^۴

تزرک *سلطانی* حوادث مربوط به دوران حکومت سکندر بیگم، نواب باقی محمدخان و

۱ برای نمونه‌های متعددی از این نامه‌ها و اسناد نک: ادامه مقاله.

۲ سلطان جهان بیگم (۱۳۲۸)، تزرک *سلطانی* (یعنی دفتر چهارم تاج‌الاقبال)، به اهتمام محمد حمیدالله، بهوپال: مطبع سلطانی، تمهید، صص ۴-۵.

۳ برای نمونه‌هایی از اسناد و منابع مورد استفاده سلطان جهان بیگم در این اثر نک: تزرک *سلطانی*، همان، صص ۲۱، ۶۳، ۷۴-۹۰.

۴ همان، صص ۶، ۹.

حوادث مربوط به حکومت شاهجهان بیگم و همچنین زندگی خودش تا پیش از به قدرت رسیدن را دربر دارد. هرچند این کتاب به صورت مستقل و با عنوان *تزرک سلطانی* ترجمه نشده، اما بخش نخست کتاب شرح زندگی *من گوهر اقبال*^۱ که شامل نوزده فصل و ۲۰۴ صفحه است در واقع ترجمه انگلیسی کتاب *تزرک سلطانی* است که در سال ۱۹۱۱م./۱۳۲۹ق. توسط پین^۲ از مأموران بریتانیا در بوپال ترجمه شده و در سال ۱۹۱۲م./۱۳۳۰ق. در لندن به چاپ رسیده است.^۳

سلطان جهان بیگم پس از نوشتن کتاب *تزرک سلطانی* که همراه با کتاب *تاج الاقبال*، تاریخ نواب بوپال را تا پیش از به سلطنت رسیدن خودش دربر می گرفت، برای تکمیل تاریخ نواب بوپال به نوشتن کتاب‌هایی در شرح حوادث مربوط به حکومت خود پرداخت. هرچند، سلطان جهان بیگم در کتاب *گوهر اقبال* به شرح حوادث هفت سال نخست حکومتش از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۵ق. به صورت سال‌شمار و با ذکر دقیق تاریخ حوادث و رویدادها و بیان جزئیات پرداخته است، اما در تمهید (مقدمه)، کتاب به حوادث مربوط به سال‌های ۱۲۸۹ق. (سالی که مطالب کتاب *تاج الاقبال* به آن ختم شده) تا ۱۳۱۸ق. (وفات مادرش شاهجهان بیگم)، به صورت مختصر اشاره کرده است. *گوهر اقبال* در ۵۶ باب (فصل)، به زبان اردو نوشته شده و در ۱۳۳۱ق. به چاپ رسیده است. سلطان جهان بیگم در این کتاب علاوه بر اینکه به شرح رویدادهای مرتبط با زندگی خود چون تولد فرزندانش پرداخته به اصلاحاتی که در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی طی این هفت سال انجام داده نیز اشاره کرده است. معمولاً در این کتاب نیز وی از اسناد و نامه‌های رسمی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع خود بهره برده است.^۴ از جمله اصلاحاتی که سلطان جهان بیگم در این دوره انجام داده و شرح آن را در این کتاب آورده می‌توان به توجه او به آموزش دختران به شیوه مدرن و ساخت مدارس مخصوص آنان به‌رغم وجود مخالفت‌ها، ساخت «مدرسه صنعت و

1 *An account of my life (Gohur-i-Ikbal)*.

2 Payne.

۳ برای این موضوع، قس: فهرست مطالب متن اردوی *تزرک سلطانی*، صص ۱-۳، با
Nawab Sultan Jahan Begam (1912) *An account of my life (Gohur-i-Ikbal)*, translated by: C.H.Payne,
London: John Marray, Part I, pp. vii-X.

۴ سلطان جهان بیگم، (۱۹۱۳/۱۳۳۱)، *گوهر اقبال*، به اهتمام محمد حمیدالله، بهوپال: مطبع سلطانی، تمهید، صص د، ی.

۵ برای نمونه‌ای از این نامه‌ها و اسناد نک: سلطان جهان بیگم، همان، ص ۱۱.

حرفت اناث» برای دختران، ساخت مدارس نظامی و ایجاد مدرسه طب یونانی برای احیای طب یونانی در هند اشاره کرد.^۱ کتاب مانند دیگر کتاب‌های بیگم‌ها اطلاعاتی نیز درباره روابط بین انگلیسی‌ها و بیگم‌های بوپال دارد که غالباً منبع اصلی اطلاعات مربوط به این بخش نیز اسناد رسمی است که بین وی و مأموران بریتانیای هند ردوبدل شده است. گوهر اقبال توسط پین مأمور سیاسی بریتانیا در بوپال در سال ۱۹۱۱ م. / ۱۳۲۹ ق. به انگلیسی ترجمه شده و در سال ۱۹۱۲ م. / ۱۳۳۰ ق. با عنوان شرح زندگی من گوهر اقبال در لندن به چاپ رسیده است.^۲

اختر اقبال از جمله دیگر آثار سلطان جهان بیگم است که به زبان اردو نوشته شده و به‌عنوان «حصه دوم گوهر اقبال» در سال ۱۹۱۵ م. / ۱۳۳۲ ق. به چاپ رسیده است. کتاب به حوادث سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۱ ق.؛ یعنی سال‌های هشتم تا دوازدهم حکومت سلطان جهان بیگم، به شیوه سال‌شمار پرداخته و حوادث مربوط به هر سال را ذیل همان سال و در ادامه گوهر اقبال آورده است.^۳ کتاب تصویری کلی از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این دوره را با ذکر دقیق جزئیات ارائه می‌کند. از جمله ویژگی‌های اصلی این کتاب ارائه تصویری کامل از اقدامات سلطان جهان بیگم به‌ویژه در زمینه توجه به تعلیم و تربیت دختران و ساخت مدارس دخترانه و مدرسه مخصوص پرستاران زن در بوپال است.^۴ علاوه بر مطالب فوق از دیگر موضوعات مهم کتاب، شرح سفر نخست سلطان جهان بیگم به انگلستان و حضور در لندن و کاخ باکینگهام^۵ به‌منظور تبریک به سلطنت رسیدن جرج پنجم است.^۶ سلطان جهان

۱ برای نمونه‌هایی از اصلاحاتی که سلطان جهان بیگم در زمینه‌های مختلف چون توجه به آموزش زنان به شیوه نوین و ساخت مدارس دخترانه با معلمان زن، ساخت مدرسه طب یونانی و ساخت مدرسه نظامی نک: سلطان جهان بیگم، گوهر اقبال، صص ۱۰۹-۱۲۱، ۱۵۳-۱۷۶، ۲۳۰-۲۳۲.

۲ برای نمونه‌هایی از این اسناد و مدارک که در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته شده است نک: سلطان جهان بیگم، همان، صص ۲۹۸-۲۹۹، ۳۲۰-۳۲۳.

۳ همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد ترجمه فوق در واقع هردو کتاب ترک سلطانی و گوهر اقبال را دربر دارد و بخش دوم این ترجمه، ترجمه متن کتاب گوهر اقبال است. نک: فهرست مطالب متن انگلیسی کتاب:

Nawab Sultan Jahan Begam (1912), *an account of my life (Gohur-i-Ikbal)*, Part II, pp. xi-xiii.

۴ سلطان جهان بیگم، (۱۹۱۳/۱۳۳۲)، اختر اقبال، به اهتمام محمد قادر علی‌خان صوفی، آگره، دیباچه، صص ۳-۴.

۵ همان، صص ۴-۸، ۲۱-۲۴؛ برای آشنایی بیشتر با مراکز آموزش و مدارس نوین زنانه نک:

An Account of My Life Akhtar Iqbal (2012), translated by: C.H. Payne, New Delhi: Niyogi Books, pp. vii-xiii

6 Buckingham Palce

۷ سلطان جهان بیگم، اختر اقبال، صص ۱۳۵-۱۴۹.

بیگم اختر اقبال را ادامه تاج الاقبال و گوهر اقبال دانسته و معتقد است که از طریق این سه کتاب می‌توان تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حکومت نواب بوپال را از آغاز شکل‌گیری تا زمان نوشتن کتاب دنبال کرد.^۱ در این کتاب نیز مهم‌ترین منبع مورد استفاده، اسناد و نامه‌های رسمی است که متن آن‌ها در موارد متعدد ثبت شده است.^۲ کتاب اختر اقبال با عنوان شرح زندگی من اختر اقبال^۳ توسط پین، مأمور سیاسی بریتانیا در بوپال به انگلیسی ترجمه شده و در بیست‌و دو فصل به چاپ رسیده است.

حیات شاهجهانی از دیگر آثار سلطان جهان بیگم است. همان‌طور که از عنوان کتاب برمی‌آید سلطان جهان بیگم در این کتاب به شرح زندگی و حوادث مربوط به حکومت مادرش شاهجهان بیگم از آغاز تا زمان مرگ او در هفت باب پرداخته است. سلطان جهان بیگم در دیباچه کتاب، نوشتن کتابی درباره مادرش را از وظایف خود دانسته و با صراحت و صداقت تأکید می‌کند که در این کتاب به اختلافات بین خودش و مادرش نپرداخته تا آن‌ها فراموش شوند.^۴ با توجه به اینکه دفتر سوم کتاب تاج الاقبال که به دوره حکومت شاهجهان بیگم اختصاص دارد تنها تا اوایل ۱۲۸۹ ق. (سال تألیف کتاب) را دربر گرفته، حیات شاهجهانی را می‌توان تکمیل‌کننده دفتر سوم تاج الاقبال دانست. کتاب اطلاعات مهمی درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حکومت شاهجهان بیگم دارد. چنانکه به موضوعاتی چون ساخت مدارس دخترانه «سلیمانیه»، «جهانگیریه» و «بلقیسیه» و نیز ساخت «مطبعه شاهجهانی» که توسط شاهجهان بیگم برای چاپ متون دینی و کتاب‌های درسی ساخته شده بود، اشاره کرده است.^۵ معرفی آثار منظوم و منثور شاهجهان بیگم از دیگر مطالب کتاب حیات شاهجهانی است.^۶ بررسی روابط بین شاهجهان بیگم با انگلیسی‌ها و القاب و نشان‌هایی که انگلیسی‌ها به او داده‌اند و نیز نقش انگلیسی‌ها در اصلاحاتی که شاهجهان بیگم انجام داده از جمله موضوعاتی است که در باب‌های سوم تا ششم کتاب به آن پرداخته شده است. در این

۱ همان، دیباچه، صص ۳-۴.

۲ برای نمونه‌هایی از این اسناد و نامه‌های رسمی نک: صص ۴۰-۴۱، ۷۸-۸۲

3 *an account of my life Akhtar Iqbal.*

۴ سلطان جهان بیگم، حیات شاهجهانی، دیباچه، صص ۱-۲.

۵ همان، صص ۳۹-۴۱.

۶ همان، صص ۱۵۰-۱۵۲.

کتاب نیز یکی از مهم‌ترین منابع مورد استفاده نامه‌ها و اسناد رسمی است که در مواردی متن آن‌ها در کتاب آورده شده است.^۱ کتاب *حیات شاهجهانی* در سال ۱۹۲۶م. / ۱۳۴۵ق توسط گوزال^۲ در بوپال به انگلیسی ترجمه شد و در بمبئی به چاپ رسید.

تذکره باقی کتاب دیگری است که توسط سلطان جهان بیگم در شرح حوادث مربوط به زندگی پدرش نواب باقی محمدخان نوشته شد و در سال ۱۹۱۵م. / ۱۳۳۳ق. به زبان اردو به چاپ رسید. سلطان جهان بیگم در دیباچه کتاب به علاقه‌اش برای نوشتن تاریخ بوپال اشاره کرده و به همین خاطر، پس از نوشتن کتاب *حیات شاهجهانی*، این کتاب را نوشته است. وی در مقدمه کتابش تأکید می‌کند که قصد داشته کتابی مفصل درباره زندگی و اقدامات پدرش بنویسد، اما به دلیل از بین رفتن بسیاری از اسناد و مدارک آن دوره و فقدان اطلاعات لازم، موفق به انجام این کار نشده است.^۳ تأکید وی بر این موضوع و الزام به استفاده از منابع مستند نشان می‌دهد که وی تلاش داشته تا به صورت مستند و دقیق به تاریخ نواب بوپال بپردازد. به همین دلیل، به‌رغم میل شخصی موفق نشد کتابی مفصل درباره زندگی و اقدامات پدرش تألیف کند و بنابراین در کتابی مختصر که شامل یک دیباچه و دو حصه (فصل) است در نود و دو صفحه به این دوره از تاریخ نواب بوپال پرداخته است.^۴ وی در مقدمه کتاب تأکید می‌کند که این مطالب مختصر را نیز از منابع گوناگونی چون اسناد باقی‌مانده از دوره پدرش، مشاهدات و اطلاعات شخصی خودش و روایت‌های شاهدان جمع‌آوری کرده است. در حصه اول، مؤلف به موضوعاتی چون معرفی خاندان باقی محمدخان، تولد او و ازدواجش با شاهجهان بیگم پرداخته و در حصه دوم نیز به ویژگی‌های شخصیتی او چون شجاعت و توجه او به علم و دانش پرداخته است. کتاب *تذکره باقی* توسط رشید ظفرخان به انگلیسی ترجمه شده و در ۱۹۲۹م. به چاپ رسیده است.

حیات قدسی کتاب دیگر سلطان جهان بیگم، در شرح زندگی و حکومت قدسیه بیگم نخستین حاکم زن بوپال نوشته شده است. سلطان جهان بیگم در دیباچه کتاب دلایل متعددی

۱ برای نمونه‌هایی از اسناد و نامه‌های رسمی به کار رفته در این کتاب نک: همان، ص ۱۶-۱۷.

۲ Ghosal.

۳ سلطان جهان بیگم، (۱۳۳۳/۱۹۱۵)، *تذکره باقی یعنی سوانح عمری نظیرالدوله امراودوله نواب باقی محمدخان صاحب بهادر نصرت جنگ*، به اهتمام مولوی حمیدالله، بهوپال: مطبع سلطانی، دیباچه، صص الف، ب، ج.

۴ سلطان جهان بیگم، همان، دیباچه، صص ب، ج.

چون دینداری قدسیه بیگم و اینکه شرح زندگی او می‌تواند چراغ هدایتی برای آیندگان باشد را از دلایل خود برای نوشتن این کتاب دانسته است. ظاهراً وی در نوشتن این کتاب با مشکل کمبود منابع و اطلاعات روبه‌رو بوده و به همین خاطر تأکید می‌کند که هرچند بنابر توالی تاریخی باید ابتدا این کتاب را می‌نوشتند و سپس کتاب *حیات شاهجهانی* را، اما به دلیل اینکه بیشتر اسناد و منابع مکتوب مربوط به دوره قدسیه بیگم از بین رفته بوده‌اند و از طرفی کسب اطلاعات به صورت شفاهی نیز زمان‌بر بوده ابتدا *حیات شاهجهانی* را نوشته و سپس با جمع‌آوری مدارک موردنیاز که البته وقت‌گیر هم بوده *حیات قدسی* را به کمک اسناد باقی‌مانده و اطلاعات شفاهی و نیز اطلاعات شخصی که خودش داشته تألیف کرده است.^۱ تأکید وی بر این موضوع که به دلیل نداشتن منابع و اطلاعات لازم، تألیف این کتاب را به تأخیر انداخته تا مدارک موردنیاز را جمع‌آوری کند نشان می‌دهد که وی برای مستند و صحیح بودن مطالبی که تألیف می‌کرده اهمیت بسیاری قائل بوده و در صورت نبود اطلاعات لازم از تألیف کتاب خودداری می‌کرده است. همچنین، وی در ادامه منابعی را که برای تألیف این کتاب از آن‌ها استفاده کرده منابع مکتوب چون اسناد و مدارک رسمی و نیز منابع شفاهی که از افراد موثق جمع‌آوری می‌کرده دانسته است و بدین ترتیب، منشأ اطلاعات مورد استفاده‌اش را مشخص کرده است.

حیات قدسی، علاوه بر دیباچه از دو حصه (فصل) تشکیل شده است. حصه اول از تولد قدسیه بیگم تا مرگ او را شامل می‌شود. از مطالب مهم این بخش از کتاب می‌توان به چگونگی به قدرت رسیدن قدسیه بیگم به‌عنوان نخستین حاکم زن بوپال و واکنش‌ها به این موضوع که در نهایت منجر به عزل قدسیه بیگم از قدرت شد، اشاره کرد. در این بخش متن تعداد زیادی از اسناد و نامه‌های رسمی بدون هیچ کم و کاستی به‌عنوان منابع اصلی اظهارات سلطان جهان بیگم آورده شده است. از جمله این اسناد که در این کتاب آمده‌اند می‌توان به متن عهدنامه‌ای که به زبان فارسی نوشته شده و بر اساس آن قدسیه بیگم به‌عنوان نخستین حاکم زن در بوپال به حکومت منصوب شده و متن نامه‌ای که بر اساس آن انگلیسی‌ها پس از اختلافات داخلی بوپال، قدسیه بیگم را از حکومت عزل کرده‌اند، اشاره کرد. همچنین، متن نامه قدسیه بیگم که بر اساس آن قدرت را به نواب جهانگیرخان تفویض کرده و متن نامه

۱ *حیات قدسی*، به اهتمام مولوی محمد حمیدالله، بهوپال: مطبع سلطانی، دیباچه، صص الف، ب.

جهانگیرخان در واگذاری جاگیر برای گذران امرارمعاش قدسیه بیگم ازجمله اسناد مهمی است که متن آن‌ها در این کتاب آمده است.^۱ حصه دوم کتاب به اصلاحات و اقدامات قدسیه بیگم چون ساخت شبکه آبرسانی بوپال و سپس بیان ویژگی‌های شخصیتی قدسیه بیگم چون نوع لباس پوشیدن و رفتار او با علما و دانشمندان پرداخته است. حیات قدسی توسط دیویز^۲ از مأموران سیاسی بریتانیا در بوپال به انگلیسی ترجمه شده و در ۱۹۱۸م. در لندن به چاپ رسیده است.

علاوه بر آثار فوق از شاهجهان بیگم سفرنامه‌ای نیز درباره شرح سفر او به مکه و مدینه برجای مانده است. سفرنامه با عنوان *روضه الریاحین من مسیر السلطان الی البلد الامین و مدینه النبی سید المرسلین* در ۱۳۲۷ق. و در دو دفتر (جلد) در یک مجلد و به زبان اردو به چاپ رسیده است. وی در مقدمه کتاب آن را به دو بخش کلی تقسیم کرده است. دفتر نخست به جغرافیای عربستان و سپس تاریخ کعبه و مسجد النبی از آغاز ساخت آن‌ها تا زمان مؤلف اختصاص دارد، و دفتر دوم نیز به شرح سفر سلطان جهان بیگم از هند به عربستان اختصاص یافته است. هرچند، دفتر نخست کتاب از جهت تاریخی اعتبار چندانی ندارد، اما در ادامه دفتر اول، بخشی تحت عنوان «تمه دفتر اول» وجود دارد که از اهمیت بیشتری نسبت به مطالب قبل از آن برخوردار است. ازجمله مطالب این بخش از سفرنامه می‌توان به معرفی انواع سکه‌های رایج در عربستان و بیان جنس، وزن و مقایسه آن‌ها با رویه اشاره کرد.^۳ همچنین وی به برخی از آیین‌ها و آداب و رسوم، چون آیین ورود به خانه کعبه اشاره کرده است. سلطان جهان بیگم جدولی را آورده که ماه، روز و ساعت ورود مردها و زن‌ها به کعبه در آن ثبت شده و اصل این جدول بر روی دیوار کعبه نصب بوده است.^۴ آیین شستشوی کعبه که به گفته سلطان جهان بیگم هر سال سه مرتبه انجام می‌شده و نیز تعویض پرده کعبه که سالی یک بار انجام می‌شده از دیگر آیین‌هایی است که به آن پرداخته است و اشاره می‌کند که خانه کعبه دو پرده داشته که پرده بالایی بر اساس این آیین، هر سال تعویض می‌شده

۱ برای اسناد و نامه‌های فوق، نک: همان، صص ۲۴-۲۵، ۱۰۵-۱۱۳.

۲ Davis.

۳ سلطان جهان بیگم، (۱۳۲۷)، *روضه الریاحین من مسیر السلطان الی البلد الامین و مدینه النبی سید المرسلین*، به اهتمام حافظ کرامت الله، بهوپال: مطبع سلطانی، دفتر اول، صص ۸۶-۹۱.

۴ همان، صص ۱۳۰-۱۳۱.

و پرده دیگری که زیر آن قرار داشته تنها پس از به سلطنت رسیدن سلطان جدید تعویض می‌شده است.^۱

دفتر دوم سفرنامه به شرح سفر سلطان جهان بیگم از بوپال به مکه و مدینه پرداخته است. این بخش از سفرنامه بیش از اینکه به شرح سفر بپردازد و از این جهت مهم باشد به دلیل آوردن متن نامه‌هایی که سلطان جهان بیگم پیش از سفر و در ضمن سفر برای فراهم کردن شرایط سفر نوشته و برای انگلیسی‌ها و نیز شریف مکه و پاشاهای مکه و مدینه فرستاده و پاسخ آن‌ها به این نامه‌ها، اهمیت دارد.^۲ سفرنامه سلطان جهان بیگم با عنوان *داستان سفر به حجاز*^۳ به انگلیسی ترجمه شده و در سال ۱۹۰۹م. در کلکته به چاپ رسیده است.

نتیجه‌گیری

پس از تضعیف حکومت مغولان هند و شکل‌گیری حکومت‌های محلی متعدد در هند و نیز قدرت یافتن بریتانیا در آنجا، تغییرات اساسی در امور مختلف هند از جمله در تاریخ‌نگاری پدید آمد که از مهم‌ترین این تغییرات، نقش یافتن حکومت‌های محلی و انگلیسی‌ها در تدوین تاریخ هند بود. پس از اینکه بر اساس توافقنامه‌ای با انگلیسی‌ها، نواب بوپال تحت‌الحمایگی آن‌ها را پذیرفتند، سنت تاریخ‌نگاری بیگم‌ها با تشویق و پیشنهاد انگلیسی‌ها به سکندر بیگم، برای تألیف کتابی جامع درباره نواب بوپال آغاز شد. سکندر بیگم حدود ۱۷ سال از عمرش را صرف جمع‌آوری منابع لازم برای نوشتن این کتاب کرد. اما پیش از اتمام کتاب درگذشت و سنت تاریخ‌نگاری بیگم‌های بوپال با نوشتن کتاب *تاج‌الاقبال* توسط شاهجهان بیگم به صورت رسمی شکل گرفت. هرچند شاهجهان بیگم به منابع مورد استفاده خود اشاره‌ای نمی‌کند، اما با توجه به اینکه وی در مقدمه کتاب، *تاج‌الاقبال* را تلاشی برای تکمیل اثر ناتمام مادرش دانسته به نظر می‌رسد از منابعی که مادرش طی ۱۷ سال جمع‌آوری کرده بهره برده است. با توجه به نبود منبعی مستقل درباره نواب بوپال این کتاب مهم‌ترین منبع درباره این سلسله تا زمان تألیف به شمار می‌رفت و متن فارسی، اردو و ترجمه انگلیسی کتاب نیز به چاپ رسید.

۱ همان، صص ۱۳۲-۱۳۵.

۲ برای نمونه‌هایی از این نامه‌ها نک: همان، دفتر دوم، صص ۱۸-۴۰، ۱۸۰-۱۸۲، ۱۹۵-۱۹۹.

3 *The Story of Pilgrimage to Hijaz.*

تألیف آثار تاریخی درباره بیگم‌های بوپال در زمان سلطان جهان بیگم آخرین بیگم بوپال به اوج خود رسید و آثار متعددی چون *تزرک سلطانی*، *حیات شاهجهانی*، *حیات قدسی*، *گوهر اقبال* و *اختر اقبال* توسط وی نگاشته شد. سلطان جهان بیگم نوشتن تاریخ بوپال را باهدف پندآموزی آیندگان، مهم‌ترین وظیفه خود می‌دانست. وی در آثار خود تأکید بسیاری بر لزوم مستند بودن نوشته‌هایش داشت به‌نحوی که در مواردی چون تألیف کتاب *تذکره باقی و حیات قدسی* از آنجا که منابع لازم برای نوشتن این آثار در دسترس نبود، کار تألیف این دو اثر را تا جمع‌آوری منابع لازم به تأخیر انداخت. وی در آثارش منابع مورد استفاده را به سه بخش اصلی یعنی اسناد و نامه‌های رسمی، مشاهدات شخصی و اطلاعات مأخوذ از افراد موثق تقسیم می‌کند. امروزه در کنار اسناد و کتاب‌های انگلیسی، آثار بیگم‌های بوپال مهم‌ترین منابع پژوهش درباره تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نواب بوپال به شمار می‌روند و با توجه به همین موضوع، تمامی این آثار به انگلیسی ترجمه و چاپ شده‌اند و به‌عنوان اصلی‌ترین منابع تحقیق توسط پژوهشگران غربی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

منابع و مأخذ

- آفتاب، اصغر (۱۳۶۴)، *تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان*، لاهور: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.
- حسن‌آبادی، اکرم (۱۳۸۸)، «گزارش سفر حج بانوی هندی شاهجهان بیگم، در سال ۱۲۸۰ق»، پیام بهارستان، ۳۵، ۱، ۳.
- سکندر بیگم [بی‌تا]، *آیین سکندری*، بهوپال.
- سلطان جهان بیگم (۱۳۲۷ق)، *روضه‌الریاحین من مسیر السلطان الی البلد الامین و مدینه‌النبی سید المرسلین*، به اهتمام حافظ کرامت الله، بهوپال: مطبع سلطانی.
- _____ (۱۳۲۸ق)، *تزرک سلطانی (دفتر چهارم تاج الاقبال)*، به اهتمام محمد حمیدالله، بهوپال: مطبع سلطانی.
- _____ (۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م)، *گوهر اقبال*، به اهتمام محمد حمیدالله، بهوپال: مطبع سلطانی.
- _____ (۱۳۳۲ق/۱۹۱۳م)، *اختر اقبال یعنی (حصه دوم گوهر اقبال)*، به اهتمام محمد قادر علی‌خان صوفی، آگره.
- _____ (۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م)، *حیات شاهجهانی*، به اهتمام محمد قادر علی‌خان صوفی، آگره.
- _____ (۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م)، *تذکره باقی یعنی سوانح عمری نظیرالدوله امرودوله نواب باقی محمدخان صاحب بهادر نصرت جنگ*، به اهتمام مولوی حمید الله، بهوپال: مطبع سلطانی.

- (۱۳۳۵ق/۱۹۱۶م)، *حیات قدسی*، به اهتمام مولوی محمد حمیدالله، بهوپال: مطبع سلطانی.
- شاهجهان بیگم (۱۲۸۹)، *تاج الاقبال تاریخ ریاست بهوپال*، (متن فارسی)، به اهتمام محمد عبدالرحمن بن- حاجی محمد روشن خان، کانپور: مطبعه نظامی.
- (۱۲۸۹)، *تاج الاقبال تاریخ ریاست بهوپال*، (متن اردو)، چاپ محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روشن خان، کانپور: مطبعه نظامی.
- شیمیل، آنه ماری (۱۳۸۶)، *در قلمرو خانان مغول*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: امیرکبیر.
- فیروزشاه تغلق (۱۹۵۴)، *فتوحات فیروزشاهی*، تصحیح شیخ عبدالرشید، علی گره: مسلم یونیورسٹی.
- گلبدن بانو (۱۳۸۳)، *گلبدن نامه*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات ثریا.
- منظور الاجداد، محمد حسین؛ آقاجری، هاشم؛ مفتخری، حسین و طرفداری، منصور (۱۰/۲۰۱۴ق)، «البيغمات او الملكات لهوبال و استعمار الانجليز»، *مجلة العلوم الانسانية الدولية*، العدد ۱۷ (۴)، صص ۴۱-۳۳.
- منهاج سراج جوزجانی (۱۳۶۳)، *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- Nawab Sikandar Begum (1870), *A Pilgrimage To Mecca*, translated by: Mrs. Willoughby- Osborne, Followed by A Historical sketch of the reigning family of Bhopal BY Lieut-col. Mrs. Willoughby- Osborne, C.B. Political Agent in Bhopal, and an appendix translated by: The Rev. William Wilknsn, London: WM. H. Allen & Co.
- Nawab Sultan Jahan Begam, (1929), *Tazkira Baqi*, translated by: Nawabzada Rashiduzzafar Khan, Calcutta: Tackers Press & Directories.
- (1912), *An account of my life (Gohur-i- Ikbal)*, translated by: C. H. Payne, London: John Marray.
- (2012), *An Account of My Life Akhtar Iqbal*, translated by: C. H. Payne, New Delhi: Niyogi Books.
- (1918), *Hayat-i-Qudsi: life of the Nawab Gauhar Begum alias the Nawab Begum Qudsia*, translated by: W. S. Davis, London: Kegan Paul, Trench, Trubner & Co. Ltd.
- (1926), *Hayat-I-Shahjehani*, translated by: B. Ghosal, Bombay: the Times Press.
- (1909), *The Story of a Pilgrimage to Hijaz*, Calcutta: Thacker, Spink & Co.
- *The Imperial Gazetteer of India* (1908), Oxford: Clarendon Press.
- Claudia Preckel (2011), "BHOPAL" *El³, Vi.*, Leiden. Boston: Brill.
- Shaharyar, M. Khan (2000), *The Begums of Bhopal a Dynasty of Women Rulers in Raj India*, New York-London: I.B.Tauris.
- Shahjahan Bgum (1876), *Taj-ul Ikbal Tarikh Bhopal or The History of Bhopal*, Translated by: H. C. Barstow, Calcutta: Thackers, Spink and Co.